

بررسی دیدگاه‌های مشترک فریقین در آیات ولایت

مهدی کبیری
عضو حلقه علمی قرآن
دانش‌پژوه دوره عالی علوم و معارف قرآن

چکیده: سیر بررسیها پیرامون آیات ولایت، همواره با نگاه تفریق و جدایی ادامه یافته است. اکنون که وحدت و انسجام، ضرورت جهان اسلام است، در نگاهی همگرا و انسجام‌بخش، به دیدگاه‌های مشترک قابل توجهی در منابع فریقین بر می‌خوریم که بسیاری از آنها در غبار غفلت مدفون مانده‌اند. این نوشتار، در پی آن است تا با رویکردی تطبیقی، آیات ولایت را در نگاه فریقین بررسی و گوشه‌ای از اشتراکات این عرصه را یادآور شود.

کلید واژگان: تفسیر تطبیقی، اشتراک فریقین، آیات ولایت، فضایل اهل بیت.

مقدمه

قرآن کلام جاودانه خداست. قرآن برترین معجزه آخرین پیامبر و افتخار اسلام است. قرآن، بهترین برنامه برای زندگی فردی و اجتماعی بشر است. اگر مسلمانان، خردمندانه و با نگاهی فرانگر، بدان بنگرند و به دستورات این قانون الهی که همسوی فطرت و نیاز انسانهاست، عمل کنند و پایبند باشند، بسیاری از مشکلاتی که گریبان‌گیر امت اسلامی است، رخت بر می‌پندد. از این رو، یکی از سفارشهای مهم قرآن، سرپرستی امت اسلام و جانشینی و رهبری جامعه اسلامی پس از پیامبر ﷺ است. در این منشور هدایت، آیه‌های تبلیغ، ولایت، اولی الامر، اکمال، مع‌الصادقین و... به روشنی از این موضوع یاد می‌کنند و بر نیاز جامعه اسلامی بدان تأکید می‌ورزند. از سویی نیز آیات دیگری در قرآن کریم به عنوان مکمل این آیات وجود دارد. آیاتی که می‌گویند: این رهبری و سرپرستی، ویژه کسانی

است که خداوند آنها را برگزیده و از گناه و اشتباه مصونند، آیاتی مانند: آیه مباحله، آیه تطهیر، آیات سوره دهر، آیه اهل الذکر و دهها آیه دیگر که درخور نگرشی ژرف است. در این میان، مفسران بزرگ و قرآن‌پژوهان باریک‌اندیش فریقین، نگرشی ویژه بدین آیات داشته و دیدگاههای فراوان و گوناگونی را ارائه داده‌اند. از آنجا که در میان این آراء، دیدگاههای مشترکی جلوه می‌کند، به بررسی این نقاط مشترک، می‌پردازیم. اگرچه بسیاری از دیدگاههای فریقین با یکدیگر همخوانی ندارند و در بین آنها اختلافهای فراوانی دیده می‌شود. امید است با بررسی دیدگاههای مشترک، گامی هرچند کوتاه در رسیدن به اتحاد و انسجام اسلامی برداریم. اینک ذیل هر آیه، به نقاط مشترک فریقین پیرامون آن، می‌پردازیم:

آیه عصمت (تبلیغ)

﴿ يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ ﴾^۱؛ «ای پیامبر! آنچه از سوی پروردگارت بر تو نازل شده است، به طور کامل (به مردم) برسان! و اگر چنین نکنی، رسالت او را انجام نداده‌ای! خداوند تو را از [خطرات احتمالی] مردم نگاه می‌دارد و خداوند، گروه کافران [الجوج] را هدایت نمی‌کند». در این آیه از دو پیام به روشنی یاد شده است. نخست تهدید و ترساندن از سوی خدا و دیگری وعده نگاهیانی از پیامبر ﷺ.

رساندن آنچه خدا نازل کرده، تا آن اندازه خطیر و بزرگ است که اگر پیامبر ﷺ آن را به مردمان و امت اسلامی نرساند، تمام تلاشهای او نزد خدا بر باد رفته است و از نظر خدا کارش بریده و ناتمام است و هیچ ارزشی ندارد. از سویی نیز خداوند خود را بهترین یاور پیامبرش می‌داند. اینک به دیدگاه مشترک دانشمندان شیعه و سنی در تفسیر این فراز از قرآن می‌پردازیم:

الف) اشتراک در زمان نزول

سوره مائده که پس از سوره فتح (یکصد و سیزدهمین سوره)^۲ و از آخرین سوره‌های نازل شده است؛ به اجماع فریقین مدنی است.^۳ اهل سنت می‌گویند: «در این سوره،

۱. مائده/۶۷.

۲. محمد هادی معرفت، التمهید، ج ۱، ص ۱۰۷.

۳. رک: فضل بن الحسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۲۳۱؛ ابوعبدالله محمد بن احمد الانصاری قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ج ۶، ص ۲۰؛ ابوالفداء اسماعیل بن کثیر القرشی دمشقی، تفسیر القرآن العظیم (ابن کثیر)، ج ۲، ص ۷۹.

نسخی صورت نگرفته است؛ بنابراین، حلال آن را حلال و حرامش را حرام بدانید»^۱.

ب) یک پارچگی در تعیین مورد نزول آیه از سوی اهل بیت: و صحابه

خداوند می گوید: ﴿بَلِّغْ مَا نَزَّلَ الْبَيْكُ﴾؛ «برسان آنچه بر تو نازل شده است». به راستی آنچه بر پیامبر ﷺ نازل شده، چیست؟ اگر به روایات اهل بیت: که از شیعه نقل شده، بنگریم، همگی بر آنند که منظور، ولایت امام علی علیه السلام است.^۲ آن دسته از احادیث اهل سنت در مقام بیان معنای این تعبیر و مورد نزول آیه، نیز همگی همسوی نظر شیعه است و از این رهگذر سخن می گویند. افزون بر این، احادیث اهل سنت از بزرگان صحابه نیز، همچون ابوسعید خدری^۳، عبدالله بن مسعود^۴، عبدالله بن عباس^۵ و... در این باره، شایسته توجه است.

ج) عدم ارتباط آیه با آیات قبل و بعد

آنچه پیش از این آیه آمده، درباره یهودیان است، لیکن بیشتر قرآن پژوهان و مفسران شیعه^۶ و سنی^۷ می گویند این آیه با موضوع یهود ارتباطی ندارد. روایات تفسیری صحابه و تابعان نیز با این دیدگاه همسوست.^۸

د) دل نگرانی پیامبر ﷺ برای رساندن پیام آیه

از سیاق آیه روشن است که پیامبر ﷺ دل نگران از رساندن این پیام، بود چرا که خداوند فرمود: ﴿... وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ...﴾؛ «خداوند تو را از گزند مردم حفظ می کند». از نظر شیعه، سبب این دل نگرانی، ترس از انکار ولایت امام علی علیه السلام و دسیسه های منافقان بود. اهل سنت نیز دلایلی دارند^۹ که دیدگاه شیعه را تأیید می کند و فخر رازی^{۱۰}

۱. ابو عبدالله محمد بن احمد الانصاری قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ج ۶، ص ۳۱.
 ۲. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۲۸۹، ح ۴، ص ۲۹۰، ح ۶؛ علی بن طاووس، الیقین، ص ۳۷۲، باب ۱۲۲.
 ۳. ابن ابی حاتم الرازی، تفسیر القرآن العظیم، ج ۴، ص ۱۷۳، ح ۶۶۰۹.
 ۴. علی بن عیسی اربلی، کشف الغمّة، ج ۱، ص ۳۲۵؛ شهاب الدین محمود الوسی، روح المعانی، ج ۴، ص ۲۸۲.
 ۵. رک: عبدالحسین امینی، الغدير، ج ۱، ص ۴۲۶.
 ۶. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۲۸۹، ح ۴، ص ۲۹۰، ح ۶؛ علی بن طاووس، الیقین، ص ۳۷۲، باب ۱۲۲؛ محمد جواد، ترتیب الامالی، ج ۴، ص ۱۴۱، ح ۱۶۹۹.
 ۷. رک: عبدالحسین امینی، الغدير، ج ۱، ص ۴۲۶؛ ابوالحسن علی بن عیسی اربلی، کشف الغمّة، ج ۱، ص ۳۲۵؛ شهاب الدین محمود الوسی، روح المعانی، ج ۴، ص ۲۸۲؛ ابن ابی حاتم، تفسیر القرآن العظیم، ج ۴، ص ۱۷۳، ح ۶۶۰۹.
 ۸. همان.
 ۹. رک: ابو عبد الرحمن احمد بن سعید نسائی، خصائص، ص ۶۸، ح ۳۸؛ ص ۷۰، ح ۷؛ ص ۴۰، ح ۶۹؛ ص ۳۹، ح ۹۰، ص ۶؛ هیثم بن کلیب شاشی، مسند الشاشی، ج ۱، ص ۱۲۶، ح ۶۳؛ محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری، ج ۳، ص ۱۹۳ و...
 ۱۰. فخر رازی، التفسیر الکبیر، ج ۱۲، ص ۴۸.

آنها را جمع‌آوری کرده است.

۲- آیه ولایت

﴿ إِنَّمَا وَابِعْتُمُ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ ﴾^۱ «سرپرست و ولی شما، تنها خداست و پیامبر او و آنها که ایمان آورده‌اند؛ همانها که نماز را برپا می‌دارند و در حال رکوع، زکات می‌دهند و کسانی که ولایت خدا و پیامبر او و افراد با ایمان را بپذیرند، پیروزند؛ زیرا! حزب و گروه خدا پیروز است».

گفتگو درباره این آیه و شأن نزول آن، ریشه در عصر صحابه دارد که با پشت سر گذاشتن عصر تابعان پرورده‌تر شد. با بررسی موشکافانه قرآن پژوهان و مفسران فریقین در مدلول این آیه و روایات مربوط به آن، مباحث گوناگون کلامی، تاریخی و تفسیری پدید آمد.

اشتراک در شأن نزول

بی‌شک، در نگاه مفسران شیعه، این آیات ویژه مورد نزول آنهاست و مورد نزول هم درباره صدقه‌دادن انگشتری امام‌علی علیه السلام از سوی ایشان هنگام رکوع نماز بوده است؛ از این رو، در نگاه شیعه، دلالت این آیه بر امامت امام‌علی علیه السلام قطعی است^۲ و برخی از آنان این آیه را نص در این معنا و استوارترین دلیل امامت حضرت علی علیه السلام و فرزندان‌شان می‌دانند.^۳

اهل سنت نیز سه دیدگاه را پذیرفته‌اند.^۴ گروهی مانند قرآن پژوهان و مفسران شیعه معنای آیه را ویژه شأن نزول - صدقه دادن انگشتری از سوی امام‌علی علیه السلام در رکوع نماز - می‌دانند که بنابراین، آیه تنها بر ولایت و امامت ایشان دلالت دارد. در بین صحابه کسی منکر این شأن نزول نیست و شأن نزول آن را به خلاف برخی^۵ تعمیم نداده و ویژه امام‌علی علیه السلام می‌دانند. در عصر تابعان نیز برخی مانند، جصاص (ابوبکر،

۱. مانده/۵۵ و ۵۶.

۲. فضل بن الحسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۳۲۲ و ۳۲۷.

۳. شریف مرتضی علم الهدی، الشافی فی الامامة، ج ۲، ص ۲۱۷ و ۲۴۸.

۴. رک: فتح‌الله تجارزادگان، تفسیر تطبیقی، ص ۳۲۵.

۵. ابن احمد واحدی نیشابوری، الوسیط فی تفسیر القرآن المجید، ج ۲، ص ۲۰۱؛ حسین بن مسعود، معالم التنزیل،

۲، ص ۴۷ و ...

احمد رازی م/۳۷۰ق) و طبری (ابوالحسن علی طبری م/۵۰۴ق) این دیدگاه را پذیرفته‌اند. اگر این آیه ویژه شأن نزول خود باشد، دیگر ولایت به معنای نصرت یا محبت پذیرفته نیست، چراکه محبت و نصرت، با اختصاص داشتن آیه به مورد نزول، سازگاری ندارد.^۲

۳- آیه اولی الامر

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا ﴾؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اطاعت کنید خدا را! و اطاعت کنید پیامبر خدا و اولو الامر اوصیای پیامبر را! و هرگاه در چیزی نزاع داشتید، آن را به خدا و پیامبر بازگردانید او از آنها داوری بطلبید! اگر به خدا و روز رستاخیز ایمان دارید! این [کار] برای شما بهتر و عاقبت و پایانش نیکوتر است».

نام دیگر این آیه، آیه «اطاعت» است^۵ و به روشنی بر ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام دلالت دارد. مفهوم «اولی الامر» در این آیه روشن و اختلاف فریقین بر سر مصداق آن است. بی‌شک این مصداق از نظر شیعه، امامان معصوم: از خاندان پیامبرند. احادیثی که در تفسیر «اولی الامر» آمده، متواتر و یا دست‌کم متظافرنند، بدون آنکه میان آنها تعارض و ناهمگونی باشد.^۶ از بررسی دیدگاه‌های روایات اهل سنت و شیعه به چند دیدگاه مشترک می‌توان دست یافت که بدان اشاره می‌کنیم:

الف) هرچند دیدگاه اهل سنت در مصداق «اولی الامر» برخلاف شیعه است، می‌گویند اطاعت از مصداق «اولی الامر» مشروط به اطاعت خدا و عدم معصیت است.^۷ شیعه نیز بر همین باور است و آنرا انکار نمی‌کند؛ چون در نگاه شیعه مصداق «اولی الامر»، فرمانبردار محض خداوند هستند و گناه نمی‌کنند.

۱. ابوبکر جصاص، احکام القرآن، ج ۲، ص ۵۵۸.

۲. ابوعبدالله محمد بن احمد الانصاری قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ج ۶، ص ۲۲۱.

۳. فتح‌الله نجارزادگان، تفسیر تطبیقی، ص ۳۰۶.

۴. نساء/۵۹.

۵. ناصر مکارم شیرازی، آیات ولایت در قرآن، ص ۱۰۹.

۶. محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۲۷۶، ح ۱؛ محمد بن علی بن بابویه شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۵۳، ح ۳؛ محمد بن مسعود عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۷۲، ص ۴۱۱، ح ۱۷۵.

۷. محمود بن عمر زمخشری، کشاف، ج ۱، ص ۵۲۴؛ ابوعبدالله محمد بن احمد الانصاری قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ج ۵، ص ۲۶۰؛ شهاب‌الدین محمود آلوسی، روح المعانی، ج ۴، ص ۹۶؛ فخر رازی، التفسیر الکبیر، ج ۱، ص ۱۴۴.

ب) دسته‌ای دیگر از روایات اهل سنت با روایات شیعه همخوانی و همسویی دارند، طبق این روایات، اولی الامر افراد ویژه‌ای هستند که نخستین آنها امام علی علیه السلام است و آنها کسانی هستند که از سوی پیامبر صلی الله علیه و آله برگزیده شده‌اند.^۱ این روایات دیدگاه شیعه را به خوبی تأکید می‌کنند.

۴- آیه اکمال

﴿...الْيَوْمَ يَمْسُ الْذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا...﴾^۲؛ «...امروز، کافران از [زوال] آیین شما، مأیوس شدند؛ بنابراین، از آنها نترسید و از [مخالفت] من بترسید! امروز، دین شما را کامل کردم و نعمت خود را بر شما تمام نمودم و اسلام را به عنوان آیین [جاودان] شما پذیرفتم...».

این آیه شریفه نیز از آخرین آیاتی است که بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده است و از روزی باشکوه برای مسلمانان سخن می‌گوید؛ روزی که خشنودی خداوند، اکمال دین، اتمام نعمتهای الهی و ناامیدی دشمنان اسلام در آن است، از این رو، انتظار می‌رود تعداد زیادی از صحابه از چگونگی نزول آیه و زمان نزول آن خبر دهند و اختلافی نداشته باشند؛ به همین جهت، می‌توان در پاره‌ای از دیدگاهها به فرازهایی مشترک دست یافت.

الف) سوره مائده در شمار آخرین سوره‌ها و سوره‌ای مدنی است. آیه اکمال جزء سوره دیگری نیست و تنها از آن همین سوره است. نیز می‌توان از این آیه بهره برد که سوره مائده در زمره آخرین سوره‌های قرآن است.

ب) بدون شک آیه اکمال در حجة الوداع نازل شده است.^۳

ج) در نظر فریقین، این فراز از آیه ﴿...الْيَوْمَ يَمْسُ الْذِينَ كَفَرُوا... وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾ ارتباطی با دیگر اجزای آن و آیات پیشین و پسین خود ندارد، زیرا آنها مربوط به خور دنیها است.

د) هر دو تعبیر «الیوم» در آیه به یک روز اشاره دارد، چون اوصاف «اکمال دین»، «اتمام نعمت»، «خشنودی خدا» و «گزینش دین اسلام برای مردمان» مربوط به یک روز ویژه است و با یکدیگر پیوند دارند.

ه) احادیث زیادی از فریقین آمده است که طبق آنها این آیه در روز غدیر خم و با

۱. عبدالله بن عبدالله بن احمد حاکم حسکائی، شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۱۹۱ و ح ۲۰۵؛ ابراهیم جوینی، فرائد السمطین، ج ۱، ص ۳۱۳، باب ۵۸، ح ۲۵۰.

۲. مائده/۳۷.

۳. محمد بن محمد رضا قمی مشهدی، کنز الدقائق، ج ۴، ص ۳۲ و ۳۶؛ رک: الدر المنثور، ج ۳، ص ۱۹.

اعلان ولایت امام علی علیه السلام همراه بوده است.^۱

۵- آیه مع الصادقین

﴿وَعَلَى الثَّلَاثَةِ الَّذِينَ خُلِقُوا حَتَّىٰ إِذَا صَافَتْ عَلَيْهِمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ وَصَافَتْ عَلَيْهِمُ أَنْفُسُهُمْ وَظَنُّوا أَن لَّمْ يَلْجَأَ مِنَ اللَّهِ إِلَّاءُ إِلَهَهُ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ لِيَتُوبُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ^۲؛ «همچنین) آن سه نفر که از شرکت در جنگ تبوک [تخلف جستند] او مسلمانان با آنان قطع رابطه نمودند [تا آن حد که زمین با همه وسعتش بر آنها تنگ شد، [حتی] در وجود خویش، جایی برای خود نمی‌یافتند. [در آن هنگام] دانستند پناهگاهی از خدا جز به‌سوی او نیست. سپس خدا رحمتش را شامل حال آنها نمود. [و به آنان توفیق داد] تا توبه کنند. خداوند بسیار توبه‌پذیر مهربان است.»

مفسران و قرآن‌پژوهان نامدار شیعه این آیه را نیز دلیل بر تری اهل بیت: می‌شمارند. برخی از دانشمندان اهل سنت نیز در این زمینه اندکی همسویند. بر اساس شأن نزول آیه، باید دانست، منظور از آن سه تن که از جنگ تبوک بازماندند، کعب بن مالک، مرارة بن ربیع و هلال بن امیه است.^۳ آنچه در اینجا محل نزاع است، گفتگو بر سر تعیین مصداق «مع الصادقین» است. با توجه به اینکه خداوند در آیات قرآن، معانی گوناگونی را در نظر گرفته است و این ویژگی از اعجاز قرآن کریم و دلیل نو و تازه ماندن آن در هر زمانی است. بنابراین «صادقین» (راستگویان) در این آیه نیز می‌تواند دو مصداق داشته باشد.

الف) مصداق عام (راستگویان نسبی): بر اساس سایر آیات^۴، مصداق عمومی «صادقین» کسانی هستند که تقوای الهی همیشه سازند.
ب) مصداق خاص و کامل آیه (راستگویان حقیقی): از احادیث فراوانی به دست می‌آید که این راستگویان، پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان معصوم: هستند.^۵ و این همراهی، افزون بر دوست داشتن، اطاعت بی‌چون و چرا از آنها نیز هست.

۱. علی بن محمد الشافعی مغزلی، مناقب الامام امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام، ص ۱۹، ح ۲۴؛ رکذ عبدالحسین امینی، الغدير (جلدی جدید)، ج ۱، ص ۴۴۷ و ۴۵۸؛ محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۲۸۹، ح ۴.

۲. توبه/۱۱۸-۱۱۹.

۳. فضل بن الحسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۱۲۰.

۴. حجرات/۱۵؛ بقره/۱۷۷.

۵. جلال الدین سیوطی، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، ج ۴، ص ۳۱۶؛ فضل بن الحسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۱۲۲؛ محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۲۰۸، ح ۲.

راستگوبیان از دیدگاه فریقین

اکثر روایاتی که در منابع شیعه آمده است، مصداق حقیقی «مع الصادقین» را روشن ساخته‌اند^۱، لیکن روایات اهل سنت گوناگون است، برخی مصداق حقیقی راستگوبیان و برخی مصداق عمومی آن را مشخص کرده اند^۲.

آنچه در خور اندیشه است، تفاوت زیاد دیدگاه مفسران اهل سنت با مفاد روایات ایشان است. با این که در روایات اهل سنت از مصداق حقیقی یعنی پیامبر ﷺ و امامان معصوم (علیهم السلام) به نیکی و روشنی یاد شده، لیکن آرای مفسران اهل سنت با پیام روایات ایشان همسویی چندانی ندارد.

از سوی دیگر، قرآن پژوهان و مفسران شیعه در برگزیدن مصداق حقیقی کوشیده‌اند و دیدگاهشان در تعیین مصداق آیه، پیامبر ﷺ و امامان معصوم (علیهم السلام) است، لیکن آشکارا و روشن مصادیق را نگفته و به نقل روایات بسنده کرده‌اند^۳، به خلاف قرآن پژوهان و مفسران اهل سنت که بیشتر برای برگزیدن و روشن ساختن مصادیق عام آیه گام برداشته‌اند. در این میان، برخی نیز به مصادیق حقیقی آن اشاراتی کرده‌اند. نقطه مشترک با قرآن پژوهان شیعه، گزینش مصادیق حقیقی «مع الصادقین» است که این اشتراک بیشتر در برگزیدن خود پیامبر ﷺ است. گاهی هم از امام علی (علیه السلام) به عنوان یکی از مصادیق یاد می‌کنند، از این رو، گفتیم در همسویی دیدگاه قرآن پژوهان و مفسران اهل سنت با روایاتشان چشم داشت بیشتری بود^۴.

۶- آیه اهل الذکر

﴿ وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُوْحِي إِلَيْهِمْ فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ﴾؛ «و

۱. محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۲۰۸، ج ۲؛ محمد بن حسن شیخ طوسی، الامالی، ص ۲۵۵-۲۵۶؛ فضل بن الحسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۱۲۲؛ عبدالعلی بن جمعه حویزی، نورالثقلین، ج ۲، ص ۲۸۰، ج ۳۹۵ و ۳۹۷.
۲. جلال الدین سیوطی، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، ج ۴، ص ۳۱۶؛ ابوجعفر محمد بن جریر طبری، جامع البیان عن تأویل آی القرآن، ج ۷، ص ۶۳؛ سلیمان بن ابراهیم القندوزی الحنفی، ینابیع المودة، ج ۱، ص ۱۴۱؛ عبدالله بن عبدالله بن احمد حاکم حسکاتی، شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۲۶۲-۲۹۵، ج ۳۵۰، ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۵۵ و ۳۵۷.
۳. محمد بن حسن شیخ طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۳۱۷ و ۳۱۸؛ فضل بن الحسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۱۲۲؛ سید عبدالله شستیر، تفسیر القرآن الکریم (تفسیر شستیر)، ص ۲۱۴؛ محمدحسین طباطبایی، المیزان، ج ۹، ص ۴۲۶؛ ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۸، ص ۱۸۱ و ۱۸۲.
۴. ابوجعفر محمد بن جریر طبری، جامع البیان عن تأویل آی القرآن، ج ۷، ص ۶۲ و ۶۳؛ ابونصر محمد بن مسعود بن عبّاش سمرقندی، تفسیر السمرقندی، ج ۲، ص ۸۱. نحل/۴۳.

پیش از تو، جز مردانی که به آنها وحی می‌کردیم، نفرستادیم. اگر نمی‌دانید، از آگاهان بپرسید
 انا تعجب نکنید از اینکه پیامبر اسلام از میان همین مردان برانگیخته شده است!»
 درباره تفسیر «اهل الذکر» احادیث فراوانی از شیعه رسیده است. این احادیث
 متواتر و یا دست کم متطافرنند. میان آنها تعارضی نیست و آنرا بر اهل بیت پیامبر ﷺ
 تطبیق داده‌اند، حتی برخی، ظهور آیه را نیز درباره آنان دانسته‌اند.^۱ در این میان دو
 دیدگاه مورد پذیرش مفسران شیعه است:

**الف) «اهل الذکر» اهل کتاب هستند^۲ یا اینکه اهل بیت (علیهم‌السلام) یکی از
 مصادیق اهل ذکر هستند^۳.**

ب) «اهل الذکر» تنها اهل بیت (علیهم‌السلام) هستند^۴.

برخی می‌گویند دیدگاه نخست صحیح نیست؛ چون در آن به همه روایات نگریسته
 نشده است.^۵ لیکن دیدگاه دوم از روایاتی بهره جسته است که از خود پیامبر ﷺ،
 امام علی علیه‌السلام، امام باقر علیه‌السلام، امام صادق علیه‌السلام و حارث اسدی نقل شده است. این دیدگاه،
 با مضمون آیه و روایات همخوانی دارد و افزون بر ظاهر آیه، شأن نزول آن را هم درباره
 اهل بیت (علیهم‌السلام) می‌داند.^۶

در دعاها^۷ و زیارت‌های^۸ مأثور نیز «اهل الذکر» برای امامان معصوم به‌کار رفته است.
 در این نصوص «اهل الذکر» کسانی هستند که قول، فعل و تقریرشان حجت است و
 از سهو و خطا دورند.

از میان پانزده نظریه اهل سنت^۹ درباره «اهل الذکر»، سه نظریه با روایات و
 دیدگاه‌های قرآن‌پژوهان شیعه همخوانی دارد:

۱. محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، ترجمه محمدباقر کمرهای، ج ۲، ص ۱۵۲، ۱۵۹؛ محمدباقر مجلسی، مرآة
 العقول، ج ۲، ص ۴۲۶ و ۴۳۱؛ محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۲۳، ص ۱۷۲ و ۱۸۸.

۲. محمدحسین طباطبایی، المیزان، ج ۷، ص ۱۹۱.

۳. سید محمدحسین شیرازی، تفسیر تفریب القرآن، ج ۱۴، ص ۹۹.

۴. رشیدالدین محمد بن علی بن شهر آشوب، مشابه القرآن و مختلفه، ج ۲، ص ۴۹؛ محمدباقر مجلسی، بحارالانوار،
 ج ۲۳، ص ۱۷۲.

۵. «نقد و بررسی دیدگاه فریقین درباره اهل ذکر»، طلوع (فصلنامه تخصصی ادیان و فرق اسلامی)، ش ۷، ص ۵۹ و ۶۳.

۶. محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، ترجمه محمدباقر کمرهای، ج ۲، ص ۱۵۲، ۱۵۹؛ محمدباقر مجلسی، مرآة
 العقول، ج ۲، ص ۴۲۶ و ۴۳۱؛ محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۲۳، ص ۱۷۲ و ۱۸۸.

۷. شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، ترجمه رضا مرندی (اعمال روز عید غدیر، عمل هشتم، دعای سید بن طاووس)،
 ص ۵۰۰.

۸. همان، ص ۳۴، زیارت جامعه کبیره.

۹. «نقد و بررسی دیدگاه فریقین درباره اهل ذکر»، طلوع (فصلنامه تخصصی ادیان و فرق اسلامی)، ش ۷.

۱. «اهل الذکر» اهل کتاب هستند!

۲. «اهل الذکر» اهل قرآن هستند!

۳. «اهل الذکر» اهل بیت هستند.

آنهایی که اهل ذکر را اهل قرآن می‌دانند، دیدگاهشان با نظریهٔ اهل بیت: هیچ تعارضی ندارد، زیرا علم حقیقی قرآن نزد اهل بیت: است و قرآن نیز به روشنی گفته است که این کتاب آسمانی نزد «اولو العلم» است و اینان همان اهل بیت: هستند. در روایات فریقین «و من عنده علم الكتاب»^۱؛ «کسی که علم قرآن نزد اوست»، به علی بن ابی طالب علیه السلام^۲ تفسیر شده است. طبق این روایات، تأویل آیات قرآن را جز اهل بیت: کسی دیگر نمی‌داند.^۳

از مباحث گذشته به دست می‌آید که در نگاه نخست، منظور از «اهل الذکر» همان یهود و نصاری هستند، اما از باب «جری» می‌توانیم آنها را به مصداق کامل دانشمندان که اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله هستند، گسترش دهیم. از این بالاتر، اکنون، علما که وارثان انبیا و امامان هستند، نیز می‌توانند «اهل الذکر» باشند. از سویی دیگر، لفظ «ذکر» ویژهٔ قرآن نیست و در آیهٔ ﴿وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَىٰ وَهَارُونَ الْفُرْقَانَ وَضِيَاءَ وَذِكْرًا لِّلْمُتَّقِينَ﴾^۴ به روشنی به تورات نسبت داده شده است.^۵

۷- آیهٔ تطهیر

﴿إِنَّمَا يَرِيذُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾^۶؛ «خداوند تنها

می‌خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و شما را به طور کامل پاک سازد».

این آیه از مهمترین و روشن‌ترین آیه‌هایی است که در آن، برتری اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و امامت ایشان آشکار است.

در تفسیر این آیه، دست‌کم، ده دیدگاه پیشنهاد شده است.^۷ دیدگاه دانشمندان

۱. احمد بن موسی ابن مردویه، تفسیر الثعالبی، ج ۴، ص ۸۱ به نقل از: همان.

۲. همان.

۳. ابن ابی حاتم الرازی، تفسیر القرآن العظیم، ج ۲، ص ۵۹۱ به نقل از: همان.

۴. عبدالله بن عبدالله بن احمد حاکم حسکانی، شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۲۲۷ به نقل از: همان.

۵. خواجه عبدالله انصاری، کشف الاسرار، ج ۶، ص ۳۱۴ به نقل از: همان.

۶. انبیاء/۴۸.

۷. نقد و بررسی دیدگاه فریقین دربارهٔ «اهل ذکر»، طلوع (فصلنامه تخصصی ادیان و فرق اسلامی)، ش ۸-۹،

ص ۳۱۷.

۸. احزاب/۳۳.

۹. تفسیر تطبیقی آیهٔ تطهیر از دیدگاه و مذهب اهل بیت: و اهل سنت، طلوع (فصلنامه تخصصی ادیان و فرق

و قرآن پژوهان شیعه آن است که منظور از اهل بیت (علیهم السلام) در آیه تطهیر، تنها پیامبر اسلام ﷺ، علی علیه السلام، فاطمه علیها السلام، حسن علیه السلام، حسین علیه السلام و نه امام معصوم از فرزندان امام حسین علیه السلام است. این دیدگاه را شمار زیادی از قرآن پژوهان و مفسران سنی نیز پذیرفته اند.

اکنون اشتراک دیدگاه فریقین را از جهات گوناگون در این آیه بررسی می کنیم.

دیدگاه برخی از دانشمندان معروف درباره تعداد روایات این آیه

یک. ابوبکر احمد بن موسی بن مردویه (م ۴۱۰ هـ) می گوید:

«بیش از صد طریق روایت رسیده است که آیه تطهیر درباره محمد صلی الله علیه و آله، علی علیه السلام، فاطمه علیها السلام، حسن علیه السلام و حسین علیه السلام، (نازل شده) است»^۱.

دو. محدث مشهور فیض کاشانی (۱۰۰۷-۱۰۹۷ هـ) می گوید:

«روایات مربوط به نزول آیه تطهیر (تطهیر) درباره پنج تن آل عبا، از طریق مذهب اهل بیت (علیهم السلام) و اهل سنت بیش از آن است که شمرده شود»^۲.

سه. سید هاشم بن سلیمان البحرانی (م ۱۱۰۷ هـ) در کتاب غایة المرام و حجة الخصام درباره اختصاص آیه تطهیر به پنج تن آل عبا (علیهم السلام) نزدیک به هشتاد حدیث و روایت نقل می کند که چهل و یک حدیث آن، از طریق اهل سنت و سی و چهار حدیث آن، از طریق مذهب اهل بیت است»^۳.

چهار. علامه سید محمد حسین طباطبایی (ره) می گوید:

«این روایات بیش از هفتاد حدیث است که بیشتر آن از اهل سنت نقل شده است»^۴.

روایات شأن نزول از دیدگاه فریقین

بر اساس روایات متواتر و صحیح، آیه تطهیر در واپسین روزهای زندگی پیامبر بزرگوار اسلام ﷺ و در خانه ام سلمه نازل شد. پیامبر اسلام ﷺ پس از نزول این آیه، علی علیه السلام، فاطمه علیها السلام، حسن علیه السلام و حسین علیه السلام را نزد خود فراخواند و سپس عباي خویش را به آنان پوشاند و گفت: «اللهم هؤلاء اهل بیتی»؛ «خدا یا اینان اهل بیت منند». در این هنگام ام سلمه از پیامبر اکرم ﷺ پرسید: ای رسول خدا، من در چه جایگاهی

اسلامی)، ش ۸-۹، ص ۱۱۵-۱۱۶.

۱. احمد بن موسی این مردویه، مناقب علی بن ابی طالب علیه السلام ص ۳۰۱.

۲. مولی محسن فیض کاشانی، تفسیر الصافی، ج ۴، ص ۱۸۹.

۳. سید هاشم بحرانی، غایة المرام و حجة الخصام، ج ۳، ص ۱۹۲ و ۲۱۱.

۴. سید محمد حسین طباطبایی، المیزان، ج ۱۶، ص ۳۱۱.

هستم؟ آیا من نیز در شمار اهل بیت (علیهم السلام) جای دارم؟ پیامبر ﷺ گفت: «أنت فی خیر و إلی خیر»؛ «تو در راه نیکی هستی (تو جایگاه خود را داری) و راه نیکی را پیش گرفتی». علامه طباطبایی (ره) می گوید: این روایات بسیار و بیش از هفتاد حدیث است. بیشتر آنها از طریق اهل سنت نقل شده است. اهل سنت آن را تقریباً از چهل طریق و شیعه آن را بیش از سی طریق نقل کرده است.^۱ با مراجعه به منابع شیعه و منابع مهم اهل سنت، می توان به شمار زیادی از این روایات دست یازید.^۲

روایاتی از فریقین که ویژه شأن نزول نیست اما با اهل بیت (علیهم السلام) پیوند دارد

در این دسته از روایات، به شأن نزول این آیه اشاره ای نشده است و تنها بر اختصاص آیه تطهیر به اهل بیت (علیهم السلام) پیامبر ﷺ تأکید دارد. این روایات را در منابع شیعه^۳ و سنی^۴ به آسانی می توان یافت؛ از بررسی این روایات می توان نتایج زیر را به دست آورد:

الف) فراخوانی ویژه پیامبر ﷺ از امام علی علیه السلام، حضرت فاطمه^۳، امام حسن علیه السلام، امام حسین علیه السلام و قرار دادن آنها در زیر عبایشان، نشان دهنده اختصاص آیه تطهیر به این پنج بزرگوار است.

ب) در هیچ یک از روایات صحیح و متواتر پیامبر ﷺ، فراخوانی از همسران و سایر خویشاوندان پیامبر ﷺ وجود ندارد.

ج) در این روایات، پیامبر ﷺ یا آیه تطهیر را قرائت کرده اند یا با استفاده از واژگان آیه تطهیر برای اهل کسا دعا کرده اند که می تواند تفسیر «اهل بیت:» در آیه باشد.

روایات سلام دادن پیامبر ﷺ به اهل بیت (علیهم السلام)

آیه **﴿وَأَمْرٌ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا...﴾**؛ «خانواده خود را به نماز فرمان ده و بر انجام آن شکیبا باش!...» بر پیامبر ﷺ نازل شد. پیامبر ﷺ نیز برای انجام این دستور الهی،

۱. همان.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۲۸۶ و ۲۸۷ و...؛ ابوجعفر محمد بن جریر طبری، جامع البیان فی تأویل آی القرآن، ج ۲۳، ص ۲۹۶ و ۲۹۹.

۳. محمد بن علی بن بابویه شیخ صدوق، امالی، مجلس ۷۲، ح ۵ و ۶ و... به نقل از: ترتیب الامالی، ج ۳، ص ۲۱۱.

۴. ابو عیسی محمد بن عیسی بن سوره ترمذی، سنن الترمذی، ج ۵، ص ۶۹۹ ح ۸۷۱؛ مسلم بن الحجاج القشیری النیشابوری، صحیح مسلم، ص ۱۰۴، ح ۲۴۲۴. طه/۱۳۲.

هر روز پیش از برپایی نماز، در خانه امام علی علیه السلام و حضرت فاطمه علیها السلام می‌رفت، به آنها سلام می‌داد، آنها را به برپایی نماز فرا می‌خواند و آیه تطهیر را خطاب به آنها قرائت می‌کرد. هر چند در زمان این سلام دادن و تعداد دفعات آن اختلاف است، مهم آن است که سلام دادن پیامبر صلی الله علیه و آله و خواندن آیه تطهیر خطاب به آن بزرگواران، در روایات زیادی از شیعه و سنی آمده است. این روایات از اصحاب نامداری همچون عبدالله بن عباس، ابوسعید خدری، انس بن مالک، ابوالحمراء و امامان معصوم (علیهم السلام) نقل شده است و در همه این روایات به روشنی یاد شده است که این سلام دادن، ویژه امام علی علیه السلام حضرت فاطمه علیها السلام، امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام بوده است.^۱

روایات عصمت و پاکی اهل بیت (علیهم السلام)

در بخش دیگر از روایات که از طریق شیعه و اهل سنت نقل شده؛ ویژگی‌های نیکی از اهل بیت یاد شده است. پاکی و طهارت^۲، امین و پرهیزکار بودن^۳، معصوم بودن^۴ و دوری از زشتیهای ظاهری و باطنی^۵، از این ویژگیهای پسندیده است. در این روایات که از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده، تنها خود و اهل بیتش، پاکیزه از همه گناهان معرفی شده‌اند.^۶

این روایات بر اختصاص آیه تطهیر به اهل بیت: دلالت دارند. از این روایات به دست می‌آید که، عصمت یک ویژگی شخصی نیست؛ بلکه افزون بر آن، عنایت الهی نیز به شمار می‌رود.

احتجاج به آیه تطهیر بر فضیلت اهل بیت (علیهم السلام)

احتجاج به آیه تطهیر برای برتری و فضیلت اهل بیت (علیهم السلام)، از ویژگیهای دیگر این آیه است. در طول تاریخ، افراد زیادی در مقام احتجاج، این آیه را دلیلی برای برتری اهل بیت (علیهم السلام) دانسته‌اند که در منابع فریقین نیز آمده است.

۱. محمد بن علی بن بابویه شیخ صدوق، امالی، مجلس ۳، ج ۴۷، مجلس ۹، ج ۳۹ و... به نقل از: ترتیب الامالی، ج ۳، ص ۲۱۷ و ۲۲۰؛ ابوعیسی محمد بن عیسی بن سوره ترمذی، سنن ترمذی، ج ۵، ص ۳۵۲، ج ۲۳۰۶؛ علی بن حسام‌الدین متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۳، ص ۶۴۶، ج ۳۷۶۳۲.
۲. ابوجعفر محمد بن علی بن بابویه، عمیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۶۶، ج ۳۰.
۳. تاج‌الدین شعیری، جامع الاخبار، ص ۱۹.
۴. جلال‌الدین سیوطی، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، ج ۶، ص ۶۰۵-۶۰۶.
۵. ابوشجاع شبرویه دیلمی، الفردوس بمأثور الخطاب، ج ۱، ص ۵۴، ج ۱۴۴.
۶. جلال‌الدین سیوطی، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، ج ۶، ص ۶۰۵-۶۰۶؛ به نقل از: «تفسیر تطبیقی آیه تطهیر یدگاه و مذهب اهل بیت: و اهل سنت، طلوع، ش ۸-۹».

برخی از احتجاج‌کنندگان عبارتند از:

۱. امام علی علیه السلام^۱ خطاب به ابوبکر^۲ و همچنین خطاب به حاضران در روز شورا^۳ (روز تعیین خلیفه سوم بعد از مرگ عمر این خطاب)
۲. امام حسن علیه السلام پس از پذیرش صلح با معاویه^۴
۳. امام زین العابدین علیه السلام در برابر طعنه پیرمردی هنگام داخل شدن اسیران کربلا به شهر دمشق^۵
۴. ام سلمه خطاب به عمره همدانیه^۶
۵. احتجاج زید بن علی بن الحسین (علیهم السلام) در اختصاص این آیه به اهل بیت (علیهم السلام)، نه همسران پیامبر^۷.

ذکر احتجاج به آیه مذکور در منابع اهل سنت

۱. احتجاج امام حسن علیه السلام پس از شهادت امام علی علیه السلام^۸
۲. احتجاج امام حسن علیه السلام در هنگام خلافت و زخمی شدن ایشان که پس از آن امام علیه السلام به هنگام نماز منبر رفت و به این آیه احتجاج کرد^۹
۳. احتجاج امام زین العابدین علیه السلام با مردم شام^{۱۰}
۴. احتجاج ام سلمه با عمره همدانیه^{۱۱}
۵. احتجاج واثله بن الاسقع لیشی برای برتری امام علی علیه السلام در حضور تعدادی از مسلمانان^{۱۲}
۶. احتجاج سعد بن ابی وقاص هنگام سخن گفتن با معاویه^{۱۳}

۱. شرف‌الدین حسینی استرآبادی، تأویل الآيات الظاهرة، ص ۴۵۰؛ به نقل از: همان.

۲. میرزا محمد مشهدی قمی، تفسیر کنز الدقایق، ج ۱۰، ص ۳۷۵؛ به نقل از: همان.

۳. همان.

۴. محمد بن حسن طوسی، الامالی، ص ۵۶۴؛ وحدت اسلامی ۱۱۷۴.

۵. محمد بن حسن طوسی، الامالی، ص ۱۴۱، ح ۳.

۶. فرات بن ابراهیم کوفی، تفسیر فرات الکوفی، ص ۳۳۶-۳۳۷، ح ۴۵۸.

۷. علی بن ابراهیم قمی، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۹۳.

۸. ابو عبدالله حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۷۲.

۹. ابن کثیر اسماعیل، تفسیر القرآن العظیم، ج ۳، ص ۴۹۵.

۱۰. همان.

۱۱. عبدالله بن عبدالله بن احمد حاکم حسکاتی، شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۸۷؛ وحدت اسلامی ۷۶۴؛ به نقل از: «مقاله

تفسیر تطبیقی آیه تطهیر از دیدگاه و مذهب اهل بیت: اهل سنت»، طلوع، ش ۸-۹.

۱۲. ابوجعفر محمد بن جریر طبری، جامع البیان عن تأویل آی القرآن، ج ۱۲، ص ۶-۷.

۱۳. ابو عبدالرحمن سنائی، خصائص امیر المؤمنین علیه السلام، ج ۳۳، ص ۱۱.

۷. احتجاج عبدالله بن عباس در مناظره با گروهی از مردم^۱.

دیدگاه مفسران فریقین درباره آیه تطهیر

با نگاهی کوتاه به دیدگاه مفسران بزرگ شیعه^۲ درمی یابیم که مراد از اهل بیت (علیهم السلام) در آیه تطهیر، در نزد آنها اهل بیت پیامبر ﷺ است. ایشان با آوردن دلایلی این آیه را ویژه پنج تن آل عبا (علیهم السلام) می دانند. از نظر مفسران شیعه، این آیه دلیلی اساسی بر پاکی و عصمت اهل بیت (علیهم السلام) مورد اشاره آیه است. هر چند آیات قبل و بعد این آیه درباره همسران پیامبر ﷺ است، لیکن با اعتقاد به پذیرش گزینشی سیاق و با ادله و شواهد انکارناپذیر، آیه را ویژه پنج تن آل عبا (علیهم السلام) می شمارند.

از دیدگاه مفسران اهل سنت درمی یابیم که، هر چند این آیه را ویژه اهل بیت پیامبر ﷺ نمی دانند، ایشان را بخشی از افرادی می دانند که آیه درباره آنان نازل شده است. برخی مانند طبرسی، دو دیدگاه را بیان می کند که، منظور از اهل بیت (علیهم السلام) در آیه یا پنج تن آل عبا (علیهم السلام) یا همسران پیامبر ﷺ است. برای دیدگاه نخست، چهارده روایت و برای دیدگاه دوم، تنها یک روایت از عکرمه می آورد. هر چند وی به دیدگاه دوم گرایش پیدا می کند، از چنین مفسر بزرگی انتظار می رود به گونه ای آشکار دیدگاه خود را بیان کند^۳. برخی نیز هر دو دیدگاه را برمی شمارند و دلیل همسران پیامبر ﷺ را سیاق آیات پیشین و پسین این آیه می دانند، با آنکه مسئله سیاق انکارناپذیر نیست^۴. شماری دیگر از دانشمندان اهل سنت، مانند فخر رازی^۵، قرطبی^۶ و... تنها اشاره ای به دیدگاه شیعه دارند که در مجموع، این اشارات نیز جای بس خشنودی و امید بخشی است.

۸- آیه مباهله

﴿فَمَنْ حَآجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ آبْنَاءَنَا وَآبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا

۱. ابن ابی عاصم ضحاک، کتاب السنه، ص ۵۸۸ و ۵۸۹.
۲. محمد بن حسن شیخ طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۳۳۹-۳۴۱؛ به نقل از: «تفسیر تطبیقی آیه تطهیر از دیدگاه و مذهب اهل بیت: اهل سنت»، طلوع، ش ۸-۹؛ علی بن ابراهیم قمی، تفسیر القمی، ج ۲، ص ۱۹۳-۱۹۴؛ تفسیر الکاشف، ج ۶، ص ۲۱۶-۲۱۸؛ المیزان، ج ۱۶، ص ۴۶۵ و... .
۳. ابوجعفر محمد بن جریر طبری، جامع البیان عن تأویل آی القرآن، ج ۱۲، ص ۵-۸.
۴. اسماعیل ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، ج ۳، ص ۴۹۱-۴۹۴؛ عبدالله بن عمر بیضاوی، تفسیر بیضاوی، ج ۲، ص ۲۴۵.
۵. فخر رازی، التفسیر الکبیر، ج ۲۵، ص ۲۱۰.
۶. ابوعبدالله محمد بن احمد الانصاری قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ج ۱۴، ص ۱۸۳.

وَنِسَاءكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ تَبَتَّلْهُنَّ فَتَجْعَلْ لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ ﴿۱۰۰﴾؛ «هرگاه بعد از علم و دانشی که [دربارهٔ مسیح] به تو رسیده، [باز] با تو به محاجه و ستیز برخیزند، به آنها بگو: بیایید ما فرزندان خودمان را دعوت کنیم، شما هم فرزندان خود را، ما زنان خویش را دعوت نماییم، شما هم زنان خود را، ما از نفوس خود دعوت کنیم، شما هم از نفوس خود؛ آنگاه مباحله کنیم و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم.»

در این آیه شریفه از برتری اهل بیت (علیهم‌السلام) به نیکی یاد شده است. هر چند از ظاهر این آیه شریفه نمی‌توان برای ولایت و رهبری اهل بیت (علیهم‌السلام) استفاده کرد، با نگرستن به معنا و مفهوم آن و سنجیدن مصادیق آن با دیگران به روشنی می‌توان گامی استوار در فراسوی اثبات ولایت اهل بیت (علیهم‌السلام) برداشت. همسویی و همخوانی دیدگاه‌های قرآن پژوهان شیعه و سنی در دو بخش مهم از این آیه جای بسی خرسندی و امیدبخشی دارد.

الف) روایات مربوط به آیه مباحله در منابع شیعه و سنی

خوشبختانه، همگی روایات مربوط به آیه مباحله بر فضیلت و برتری اهل بیت: و پیامبر ﷺ دلالت دارند که همان پنج تن آل‌عبا (علیهم‌السلام) می‌باشند و روشن است که این بزرگواران از جایگاه ویژه‌ای نزد پیامبر ﷺ برخوردارند. در این روایات، پیامبر ﷺ، عزیزترین و ارجمندترین خویشان را برای مباحله فراخواند و آنها را اهل بیت (علیهم‌السلام) خود نامید که به گونه‌ای زلال، معنای اصطلاح قرآنی «اهل بیت» را روشن می‌سازد. همچنین، بهترین دلیل بر وقوع این رویداد بزرگ، احتجاج امامان و همچنین برخی از صحابهٔ پیامبر ﷺ به این آیه برای برتری اهل بیت (علیهم‌السلام) است.^۱

ب) دیدگاه مفسران شیعه و سنی دربارهٔ این آیه

برخی مفسران شیعه و سنی، مصداق آیه مباحله را پنج تن آل‌عبا: می‌دانند و آنچه

۱. آل عمران/۶۷

۲. محمد بن مسعود عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۷۷، ح ۵۸، ج ۱، ص ۱۷۵، ۱۷۶، ج ۱، ص ۱۷۷، ح ۵۹ فرات بن ابراهیم کوفی، تفسیر فرات کوفی، ص ۸۵-۸۶؛ عبد علی بن جمعه حویزی، تفسیر نورالثقلین، ج ۱، ص ۳۴۹، ح ۱۶۳؛ اسماعیل ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، ج ۱، ص ۳۷۹؛ ابوجعفر محمد بن جریر طبری، جامع البیان عن تأویل آی القرآن، ج ۱۲، ص ۳۰؛ ابن ابی حاتم الرازی، تفسیر القرآن العظیم، ج ۲، ص ۶۶۷، ح ۳۶۱۸؛ مسلم بن حجاج قشیری نیشابوری، صحیح مسلم، ص ۱۰۶۲، ح ۳۲؛ ابوعیسی محمد بن عیسی بن ترمذی، سنن ترمذی، ج ۵، ص ۲۲۵، ح ۲۹۹۹؛ ابوعبدالله حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۵۰؛ محمد رشید رضا، تفسیر المنار، ج ۳، ص ۳۲۲ و... .

در روایات آمده است را پذیرفته‌اند.^۱ افزون بر این، مفسران شیعه و برخی از مفسران اهل سنت مانند بیضاوی^۲ به دلالت این آیه بر برتری اهل بیت: تصریح کرده‌اند.

۱- آیات سوره دهر (الانسان)

﴿ إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا ﴾ ﴿ عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيرًا ﴾ ﴿ يُوفُونَ بِالنَّذْرِ وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا ﴾ ﴿ وَبُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا ﴾ ﴿ إِنَّمَا نَطَعُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا ﴾^۳؛ «به یقین ابرار [و نیکان] از جامی می‌نوشند که با عطر خوشی آمیخته است. از چشمه‌ای که بندگان خاص خدا از آن می‌نوشند و از هر جا بخواهند آن را جاری می‌سازند! آنها به نذر خود وفا می‌کنند و از روزی که شرّ و عذابش گسترده است، می‌ترسند و غذای [خود] را با اینکه به آن علاقه [و نیاز] دارند، به مسکین و یتیم و اسیر می‌دهند! [و می‌گویند:] ما شما را به‌خاطر خدا اطعام می‌کنیم و هیچ پاداش و سپاسی از شما نمی‌خواهیم!».

این سوره، تصویر زیبایی از جوانمردی و از خودگذشتگی نشان می‌دهد. بیشتر روایات فریقین، قهرمانان این گذشت و سربلندی راه اهل بیت پیامبر ﷺ می‌دانند و آیات، به خوبی، از استواری ایمان همراه با عملشان سخن می‌گوید. اینان از بهترین مسلمانانی هستند که سبب نزول این سوره بوده‌اند. بر قرآن پژوهان نیز ثمربخش بودن دانش شأن نزول پوشیده نیست که گاه فهم دقیق آیه، بدون آگاهی از شأن نزول، در پرده ابهام فرو می‌پיچد. می‌توان گفت، شأن نزول بخشی از فرهنگ زمان است که این نیز در خور نگاهی ویژه است. وحدت سیاق نیز در آیات به خوبی روایات شأن نزول را یاری می‌کند.

۱. اشتراک مفسران فریقین در مدنی بودن این سوره

همه دانشمندان شیعه این سوره را مدنی می‌دانند. بسیاری از مفسران و محدثان

۱. محمد بن حسن شیخ طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۴۸۴؛ حسین بن علی خزاعی نیشابوری، تفسیر ابوالفتوح رازی، ج ۴، ص ۳۶۰-۳۶۱؛ سید محمد حسین فضل‌الله، من وحی القرآن، ج ۶، ص ۶۳-۶۴؛ مکارم شیرازی و دیگران، نمونه، ج ۲، ص ۵۷۸-۵۸۰؛ ابوجعفر محمد بن جریر طبری، جامع البیان عن تأویل آی القرآن، ج ۳، ص ۲۹۹-۳۰۱؛ ابونصر محمد بن مسعود بن عیاش سمرقندی، تفسیر السمرقندی، ج ۱، ص ۲۷۴، ۲۷۵؛ فخر رازی، التفسیر الکبیر، ج ۸، ص ۸۸-۸۹.

۲. عبدالله بن عمر بیضاوی، تفسیر البیضاوی، ج ۱، ص ۱۶۳.
دهر/۵-۹.

اهل سنت نیز آنرا مدنی دانسته‌اند.^۱ برخی بر مدنی بودن آن ادعای اجماع کرده‌اند.^۲ برخی نیز مدنی بودن سوره را استوارتر می‌دانند.^۳

۲. اشتراک مفسران فریقین در سبب نزول این آیات

الف) مفسران و محدثان اهل سنت، سبب نزول این سوره را همان غذا دادن و از خودگذشتگی اصحاب کسا می‌دانند و این سوره را در شأن علی، فاطمه، حسن، حسین: و فضه (خادم حضرت زهرا ۳) می‌دانند. برخی از آنها عبارتند از: مقاتل بن سلیمان (م. ۱۵۰ ق.)،^۴ ابوجعفر اسکافی (م. ۲۴۰ ق.)،^۵ ابی مردویه (م. ۴۱۶ ق.)،^۶ ثعلبی (م. ۴۲۷ ق.)،^۷ ماوردی (م. ۴۵۰ ق.)،^۸ واحدی (م. ۴۶۸ ق.)،^۹ حسکانی (م. ۴۷۱ ق.)،^{۱۰} قشیری (م. ۴۶۵ ق.)، زمخسری (م. ۵۳۸)،^{۱۱} فخر رازی (م. ۶۰۴ ق.)، ابن اثیر (م. ۶۳۰ ق.)، سلیمی (م. ۶۶۰ ق.)، سبط ابن جوزی (م. ۶۵۶ ق.)، قرطبی (م. ۷۱۰ ق.)، احمد طبری (م. ۹۴۰ ق.)، نسفی (م. ۷۱۰ ق.)، خازن (م. ۷۲۵ ق.)، نظام‌الدین نیشابوری (م. ۷۲۸ ق.)، کلیبی (م. ۷۴۱ ق.)، ابن حیان اندلسی (م. ۷۴۵ ق.)، بیضاوی (م. ۷۹۱ ق.)، حداد یمنی (م. ۸۰۰ ق.)، هشتمی، مهاییمی (م. ۸۲۵ ق.)، ابن عادل حنبلی (م. ۸۸۰ ق.)، بقاعی (م. ۱۲۷۰ ق.)، سیوطی (م. ۹۱۱ ق.)، محمد الحنفی (م. ۱۱۹۵ ق.)، آلوسی (م. ۱۲۷۰ ق.)، صاوی مصری (م. ۱۲۴۱ ق.)، ابن عجیبه (م. ۱۲۲۴ ق.)، قنوجی (م. ۱۳۰۷ ق.)، بروسی (م. ۱۳۳۷ ق.)، طنطاوی (م. ۱۳۵۸ ق.)، و محمدعلی خالدی.

بسیاری از این مفسران، کل سوره دهر را در شأن اهل بیت (علیهم السلام) و اصحاب کسا می‌دانند. برخی، از آیه ۵-۹ و برخی نیز تنها آیه اطعام را درباره آنها پذیرفته‌اند.^{۱۱}

ب) **مفسران شیعه:** همه دانشمندان شیعه، به اجماع، این سوره را در شأن

۱. ر.ک: ابوجعفر محمد بن جریر طبری، جامع البیان عن تأویل آی القرآن، ج ۱۴، ص ۲۰۲؛ ابوبکر احمد بن حسین بیهقی، دلائل النبوة، ج ۷، ص ۱۴۳؛ فخر رازی، التفسیر الکبیر، ج ۳، ص ۲۳۵؛ به نقل از: «جایگاه اهل بیت: در سوره دهر از منظر فریقین»، طلوع، ش ۱۹، ص ۱۹۰.

۲. محمد محمود حجازی، تفسیر الواضح، ج ۲۹، ص ۱۳۸؛ به نقل از: همان.

۳. وهبه الزحیلی، تفسیر الوسیط، ج ۳، ص ۲۷۸۸؛ به نقل از: همان.

۴. مقاتل بن سلیمان، تفسیر مقاتل بن سلیمان، ج ۴، ص ۵۲۵.

۵. اسباب النزول، ص ۳۷؛ به نقل از: «جایگاه اهل بیت: در سوره دهر از منظر فریقین»، طلوع، ش ۱۹، ص ۱۹۰.

۶. جلال‌الدین سیوطی، الدر المنثور فی التفسیر المأثور، ج ۸، ص ۳۷۱.

۷. ابوالحسن احمد ثعلبی، الکشف و البیان، تفسیر ثعلبی، ج ۱، ص ۹۸-۱۰۰.

۸. ابوالحسن ماوردی بصری، التکت و العیون (تفسیر الماوردی)، ج ۶، ص ۱۶۱.

۹. واحدی نیشابوری، اسباب النزول، ترجمه علیرضا ذکاوتی، ص ۳۷۸.

۱۰. عبدالله بن عبدالله بن احمد حاکم نیشابوری، شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۴۰۳.

محمد یعقوب بشری، جایگاه اهل بیت در سوره دهر از منظر فریقین، طلوع، ش ۱۹، ص ۶۷-۶۸.

اهل بیت علیهم السلام می‌دانند و سبب نزول سوره را همان اطعام این بزرگواران دانسته‌اند. در منابع شیعه، روایات زیادی در مورد این سوره، به ویژه آیه اطعام، نقل شده است.^۱ از ابوحمزه ثمالی روایت شده است که سوره دهر در مدینه در شأن علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام نازل شده است.^۲ در برخی روایات نیز، امام علی علیه السلام به آیات سوره دهر احتجاج کرده‌اند.^۳

نتیجه

هرچند شمار آیات درباره رهبری جامعه اسلامی و برتری اهل بیت علیهم السلام پیامبر صلی الله علیه و آله، زیاد است و از بررسی تمام آنها می‌توان به نتایج شگفت و سرنوشت سازی رسید، لیکن از بررسی کوتاه همین آیات مهم، می‌توان به چند نتیجه سترگ دست یافت:

۱. رهبری جامعه اسلامی در جایگاه ویژه و خطیری است و خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله از این موضوع غافل نبوده‌اند.

۲. رهبری جامعه را باید کسانی به عهده بگیرند که از طرف خدا و رسولش برگزیده شوند و از خطا و اشتباه به دور باشند.

۳. طبق آیات و روایاتی که فریقین نقل کرده‌اند، اهل بیت علیهم السلام و اصحاب کسا عزیزترین مردمان نزد پیامبر صلی الله علیه و آله بوده‌اند.

۴. روایاتی که فضایل و برتری اهل بیت علیهم السلام را گوشزد می‌کنند، بسیار زیاد و متواتر یا متظافرنند.

۵. آیات رهبری با آیات فضایل اهل بیت علیهم السلام ارتباطی تنگاتنگ دارند.
۶. به اعتراف مفسران و محدثان فریقین در طول تاریخ بهترین مصداق برای سرپرستی جامعه اسلامی اهل بیت علیهم السلام هستند و این مسئله مهم را خداوند در قرآن به صراحت بیان کرده است. همچنین خود پیامبر صلی الله علیه و آله نیز در لحظه لحظه عمرشان بویژه در زمانهای سرنوشت‌ساز آنرا یادآوری کرده است و جداً می‌طلبید که خردمندان نیک‌اندیش و حق‌جو در این نشانه‌های روشن، نیک بیاندیشند.

۱. رک: عبد علی بن جمعه حویزی، نور الثقلین، ج ۵، ص ۴۷۷؛ تفسیر الصافی، ج ۵، ص ۲۶۱؛ تفسیر فرات کوفی، ص ۵۲۸؛ شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۰۵؛ محدث توری، مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۵۳؛ طلوع، مقاله جایگاه اهل بیت در سوره دهر از منظر فریقین، ص ۸۶، ش ۱۹.

۲. فضل بن الحسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۲۱۰.

۳. عبد علی بن جمعه حویزی، نور الثقلین، ج ۵، ص ۴۷۷؛ محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۱، ص ۳۷۹؛ به نقل از: یگانه اهل بیت در سوره دهر از منظر فریقین، ص ۸۶، ش ۱۹.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه آیت الله مکارم شیرازی.
۲. آلوسی، شهاب‌الدین محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، تصحیح محمدحسین الحوب، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۷ق.
۳. ابن طاووس، علی، الیقین باختصاص مولانا علی بامرة المؤمنین، تحقیق الانصاری، مؤسسه الثقلمین، قم، ۱۴۱۳ق.
۴. ابن مردویه، احمد بن موسی، مناقب علی بن ابیطالب علیه السلام جمع و ترتیب عبد الرزاق محمدحسین حرز الدین، دار الحدیث، قم، ۱۴۲۲ق.
۵. ابن کثیر، اسماعیل، تفسیر القرآن العظیم، دار المعرفه، بیروت، ۱۹۸۷م.
۶. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفه الائمه، تصحیح سید ابراهیم میانجی، نشر ادب و الحوزه، قم.
۷. امینی، عبدالحسین، الغدیر فی الكتاب و السنة و الادب، تهران، ۱۳۶۶ش.
۸. بحرانی، سیدهاشم، غایه المرام و حجة الخصام، الجزء الثالث، تحقیق سید علی عاشور، مؤسسه تاریخ العربی، بیروت، ۱۴۲۲ق.
۹. بغوی، حسین بن مسعود، معالم التنزیل (التفسیر البغوی)، تحقیق خالد عبدالله الرحمن العک، بیروت، ۱۴۰۷ق.
۱۰. بیضاوی، عبدالله بن عمر، تفسیر بیضاوی، دار الکتب العلمیه، بیروت، ۱۹۸۸م.
۱۱. ترمذی، ابو عیسی محمد بن عیسی بن سوره، سنن الترمذی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.
۱۲. جصاص، احمد بن علی رازی، احکام القرآن، تحقیق محمدعلی شاهین، بیروت، ۱۴۱۵ق.
۱۳. جوینی، ابراهیم، فرائد السمطین، تحقیق محمدباقر محمودی، مجمع احیاء التراث الثقافه الاسلامیه، قم، ۱۴۱۵ق.
۱۴. حاکم حسکانی، عبدالله بن عبدالله بن احمد، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، تحقیق محمدباقر محمودی، مجمع احیاء الثقافه الاسلامیه، قم، ۱۴۱۱ق.
۱۵. حاکم نیشابوری، ابو عبدالله، مستدرک الصحیحین، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.
۱۶. حویزی، عبد علی بن جمعه، نور الثقلین، تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، مؤسسه اسماعیلیان، قم، ۱۴۱۲ق.
۱۷. دمشقی، ابوالفداء اسماعیل بن کثیر القرشی، تفسیر القرآن العظیم (تفسیر ابن کثیر)، بیروت، ۱۴۰۲ق.
۱۸. دیلمی، ابوشجاع شیرویه، الفردوس بمأثور الخطاب، دار الکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۰۶ق.
۱۹. رازی، ابن ابی حاتم، تفسیر القرآن العظیم (تفسیر ابن ابی حاتم الرازی)، تحقیق اسعد محمد الطیب، المكتبة المصریه، بیروت، ۱۴۱۹ق.
۲۰. زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقوال فی

- وجوه التأويل، نشر ادب و الحوزه، قم.**
٢١. سمرقندی، ابونصر محمد بن مسعود بن عیاش، تفسیر عیاشی، تصحیح السید هاشم الرسولی المحلاتی، المكتبة العلمية الاسلامية، تهران.
٢٢. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن، **الصدر المثنور فی تفسیر بالمأثور**، دار الفکر، بیروت، ١٤٠٣ ق.
٢٣. شبر، سید عبدالله، **تفسیر القرآن الکریم**، مطبوعات النجاح، قاهره، ١٩٦٦ م.
٢٤. شعیری، تاج الدین، **جامع الاخبار**، مؤسسة العلمی للمطبوعات، بیروت، ١٩٨٦ م.
٢٥. شیرازی، سید محمدحسین، **تقریب القرآن**، ج ١٤.
٢٦. صدوق، ابو جعفر محمد بن علی بن بابویه، **کمال الدین و تمام النعمة**، تصحیح علی اکبر غفاری، مؤسسة النشر الاسلامی، ١٤٠٥ ق.
٢٧. _____، **الامالی**، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ١٩٩٠ م.
٢٨. _____، **عیون اخبار الرضا**، طوس، قم، ١٣٦٣ ش.
٢٩. ضحاکه ابن ابی عاصم، **کتاب السنة**، المكتبة الاسلامية، بیروت، ١٩٩٣ م.
٣٠. طباطبائی، محمدحسین، **المیزان فی تفسیر القرآن**، چاپ پنجم، مؤسسة مطبوعاتی اسماعیلیه، قم، ١٤١٢ ق.
٣١. طبرسی، فضل بن الحسن، **مجمع البیان لعلوم القرآن**، تحقیق محلاتی و طباطبائی، دارالمعرفة، بیروت، ١٤٠٦ ق.
٣٢. طبری، ابو جعفر محمد بن جریر، **جامع البیان عن تأویل آی القرآن**، دار الکتب العلمیة، بیروت، ١٤١٢ ق.
٣٣. **طلوع (فصلنامه تخصصی مذاهب و فرق اسلامی)**، مرکز جهانی علوم اسلامی، قم، ش ٧-٩.
٣٤. طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، **الامالی**، مؤسسة البعثة دار الثقافة، قم، ١٤١٤ ق.
٣٥. _____، **التبیین فی تفسیر القرآن**، دار احیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.
٣٦. _____، **به نقل از محمودی، محمدجواد، ترتیب الامالی**، مؤسسة معارف الاسلامیة، قم، ١٤٢٠ ق.
٣٧. علم الهدی، شریف مرتضی، **الشافی فی الامام**، تحقیق سید عبد الزهرا الحسینی الخطیب، مؤسسة الصادق، تهران، ١٤١٠ ق.
٣٨. عیاشی، محمد بن مسعود، **تفسیر العیاشی**، المكتبة العلمية الاسلامية، تهران، ١٣٨٠.
٣٩. فخر رازی، **التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)**، چاپ سوم، بیروت.
٤٠. فیض کاشانی، مولی محسن، **تفسیر الصافی**، تحقیق حسین الاعلی، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ١٩٨٢ م.
٤١. قرطبی، ابو عبدالله محمد بن احمد الانصاری، **الجامع لاحکام القرآن**، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ١٩٨٥ م.
٤٢. القشیری النیشابوری، مسلم بن الحجاج، **صحیح مسلم**، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ٢٠٠٠ م.

۴۳. قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا، **کنز الدقائق و بحر الغرائب**، تحقیق حسین درکاهی، تهران، ۱۴۱۱ق.
۴۴. قمی، شیخ عباس، **مفاتیح الجنان**، ترجمه رضا مرندی، پیام حق، تهران، ۱۳۷۵.
۴۵. قمی، علی بن ابراهیم، **تفسیر قمی**، مطبعة النجف، ۱۳۸۷ق.
۴۶. کلینی، محمد بن یعقوب، **اصول کافی**، ترجمه محمدباقر کمره‌ای، انتشارات اسوه، قم، ۱۳۷۵.
۴۷. کوفی، فرات بن ابراهیم، **تفسیر فرات الکوفی**، تحقیق محمد کاظم، مؤسسه الطبع و النشر لوزارة الثقافة الارشاد الاسلامی، تهران، ۱۹۹۰م.
۴۸. متقی هندی، علی بن حسام الدین، **کنز العمال**، مؤسسه الرساله، بیروت، ۱۹۸۹م.
۴۹. مجلسی، محمدباقر، **مرآة العقول**، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۳.
۵۰. معرفت، محمد هادی، **التمهید فی علوم القرآن**، قم، ۱۳۹۶ق.
۵۱. مغزلی، علی بن محمد الشافعی، **مناقب الامام امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب**، تحقیق محمدباقر البهبودی، دارالاضواء، بیروت، ۱۴۰۳ق.
۵۲. مغنیه، محمدجواد، **التفسیر الکاشف**، دار العلم للملایین، بیروت، ۱۹۹۰م.
۵۳. مکارم شیرازی، ناصر، **تفسیر نمونه**، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۸ش.
۵۴. نجارزادگان، فتح‌الله، **تفسیر تطبیقی**، مرکز جامع علوم اسلامی، قم، ۱۳۸۳.
۵۵. **نهج البلاغه**، امام علی بن ابی طالب علیه السلام، ترجمه سید جعفر شهیدی، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۶۸.
۵۶. واحدی نیشابوری، ابن‌احمد، **الوسیط فی تفسیر القرآن المجید**، تحقیق علی محمد موعض بن، بیروت، ۱۴۱۵ق.